



## اسباط

اسم عام انبیای بنی اسرائیل یا پیامبرانی از آل یعقوب، یا عنوان کلی قبایل بنی اسرائیل. اسباط، جمع سبط، به معنای نوادگان و نسل یک شخص است (المفردات، ص 222؛ التحقیق، ج 5، ص 33 و مجمع البیان، ج 4، ص 752). گفته شده سبط و بسط متقارب (مقایس اللغه، واژه سبط) و مشتق از هم اند. لذا سبط، بسطی مخصوص است (التحقیق، ج 5، ص 38) و در اموری استعمال می شود که به سهولت و با روند طبیعی گسترش و انبساط می یابند (المفردات، ص 394؛ التحقیق، ص 37-38 و معجم الفروق اللغویه، ص 271) چنان که برخی از مشتقات آن در مورد درخت پر شاخ و برگ، و باران انبوه به کار رفته است. (معجم الفروق اللغویه، همان؛ مجمع البحرین، ج 2، ص 326).

اطلاق آن بر فرزند و نواده ای که دارای جایگاه ویژه ای است (لسان العرب، ج 7، ص 310؛ مجمع البحرین، همان) به دلیل همانندی آثار خیر چنین فرزندی با یک جماعت انبوه است، همان طور که بر فرزندی که نسل انسان از ناحیه او گسترش می یابد هم اطلاق می شود (مجمع البحرین، همان). البته استعمال سبط، محدود به موارد مذکور نیست و بر هر نواده ای قابل اطلاق است (المعجم الوسیط، ص 414؛ مجمع البحرین، همان؛ مفردات، ص 394؛ المصباح المنیر، ماده سبط).

یکی از استعمال های شایع سبط، استعمال آن به معنای قبیله است که البته برای قبایل خاصی (قبایل بنی اسرائیل، و برای متمایز شدن آنها از قبایل عرب) به کار می رفته است (مجمع البحرین، همان؛ المعجم الوسیط، همان؛ مصباح اللغه، همان). برخی اصل این واژه را عبری و با تلفظ شبط دانسته اند (المتوکل، ص 125-127) که معنای آن عصا یا جماعتی است که شخصی با عصا آنها را رهبری می کند (قاموس الکتب المقدس، ص 455). واژه اسباط در 5 آیه قرآن و به دو گونه وارد شده است: به صورت نکره برای تقسیم بندی دوازده گانه بنی اسرائیل پس از خروج از مصر (اعراف: 160)، و با ال تعریف در ردیف اسامی تعدادی از پیامبران (بقره: 136 و 140؛ آل عمران: 84؛ نساء: 163). اطلاعاتی که می توان از ظاهر آیات قرآن راجع به اسباط کسب کرد به قرار زیر است:

1. به آنها وحی می شده و پیامبران و رسولان الهی بوده اند (نساء: 163-165)؛
  2. احکام یا تعالیمی بر آنها نازل شده که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) و مسلمانان (آل عمران: 84؛ بقره: 136) و یهود و نصارا (بقره: 137) موظف بودند به آن ایمان آورند تا مایه هدایتشان گردد؛
  3. در ردیف پیامبران بزرگی چون ابراهیم، اسماعیل، اسحاق و یعقوب (علیهم السلام) یاد شده اند (بقره: 136 و 140؛ آل عمران: 84؛ نساء: 163)؛
  4. یهود و نصارا سعی در منتسب نمودن اسباط به کیش خود داشته اند (بقره: 140) با این که از عدم صحت این ادعا آگاه بودند (همان)؛
  5. یهودی و نصرانی نبوده اند (همان)؛
  6. همواره نامشان به دنبال اسم یعقوب (علیه السلام) آمده است (بقره: 136 و 140؛ آل عمران: 84؛ نساء: 163)؛
  7. ذکر آنها به صورت خاص، با وجود تعبیر عامل النبیین و النبیین مذکور در آیات، نشانه اهمیت آنها است. (بقره: 136؛ آل عمران: 84؛ نساء: 163). در روایات، این واژه برای گروه های متعلق به دوره های زمانی مختلف اطلاق شده است مانند: اسباط موسی (علیه السلام) (کفایة الاثر، ص 16-18؛ بحار الانوار، ج 36، ص 286)، اسباطی که قوم موسی (علیه السلام) از آنها رویگردان شدند (رجال کشی، ص 20؛ بحار الانوار، ج 22، ص 388)، اسباط یعقوب (بحار الانوار، ج 36، ص 290)، و اسباط عرب (بحار الانوار، ج 15، ص 241-247).
- در روایات فراوانی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) سبطین و سید الأسباط، و امام علی (علیه السلام) ابوالسبطین، و فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) سادة الأسباط و یازده امام از نسل علی (علیه السلام) یازده سبط خوانده شده اند (دلایل الامامة، ج 8، ص 256؛ روضة الواعظین، ص 143؛ الخرائج والجرائح، ج 2، ص 524، و معجم الفاظ بحار الانوار ذیل واژه الأسباط). این روایات به قدری زیادند که باعث انصراف السبطین به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)، و ابوالسبطین به امام علی (علیه السلام) شده است.
- مفاد روایات در مورد اسباط پیش از شریعت حضرت موسی (علیه السلام) که ظاهراً اهمیت ویژه ای داشته اند و به همین جهت مورد توجه قرآن نیز قرار گرفته اند چنین است:

1. از نسل یعقوب (علیه السلام) بوده اند (بحار الانوار، ج 10، ص 33؛ ج 16، ص 405؛ ج 17، ص 251 و 278؛ ج 36، ص 312-314 و 323 و 388؛ احتجاج، ج 1، ص 214؛ الخرائج والجرائح، ج 2، ص 907 و کفایة الاثر، ص 113)؛
  2. در فاصله زمانی بعد از یوسف (علیه السلام) و قبل از موسی (علیه السلام) مبعوث شده اند (بحار الانوار، ج 11، ص 50 و کمال الدین، ج 1، ص 219)؛
  3. تعداد آنها دوازده نفر بوده است (کفایة الاثر، ج 79؛ بحار الانوار، ج 11، ص 50؛ ج 36، ص 283 و 290 و 312؛ کمال الدین، ج 1، ص 219)؛
  4. جایگاه امامان (علیهم السلام) در نسل پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) با جایگاه اسباط در نسل یعقوب (علیه السلام) مقایسه شده است (بحار الانوار، ج 10، ص 33؛ ج 17، ص 252 و 279؛ الخرائج والجرائح، ج 2، ص 907 و احتجاج، ج 1، ص 214)؛
  5. در زمره پیامبران پراواره قرار گرفته اند. بدون آن که قابلیت تطبیق بر قبایل یا پسران یعقوب (علیه السلام) را داشته باشند (اقبال الاعمال، ص 638 و 660؛ بشارة المصطفی، ص 256؛ البلد الامین، ص 180 و 195؛ مصباح کفعمی، ص 226)؛
  6. برای عالمان یهود شناخته شده بوده اند و آنها را تا حدّ بزرگ می دانسته اند که موجب افتخار حضرت یعقوب دانسته اند (احتجاج، ج 1، ص 214)؛
  7. شایسته صلوات و درود الهی هستند (بحار الانوار، ج 92، ص 373؛ ج 11، ص 59 به نقل از دعای امّ داود؛ البلد الامین، ص 436)؛
- در این که مراد از اسباط در آیه 160 سوره اعراف که به صورت نکره آمده همان قبایل است اختلافی نیست. در این آیه از تقسیم قوم موسی (علیه السلام) به اسباط دوازده گانه خبر داده شده است. تاریخ اسباط در این معنا بخشی وسیع از تاریخ بنی اسرائیل را تشکیل می دهد که کتاب مقدس هم به تفصیل از آنها سخن گفته است.
- واژه سبط با اضافه به نام یکی از پسران یعقوب (علیه السلام) و بعدها به اضافه به آنها و نیز یکی از دو پسر یوسف (علیه السلام) برای نشان دادن هویت

نزادی یا قبیله ای افراد بنی اسرائیل و نیز هویت خود قبایل به کار می رفته است (قاموس الکتب المقدس ، ج 6 ، ص 455 ؛ دائرة المعارف کتاب مقدس ، ج 9 ، ص 375). پس از آن که هر سبطی بخشی از سرزمین موعود را به خود اختصاص داد این واژه برای هویت زیست محیطی این افراد و نیز هویت مناطق هم استفاده شده است (دائرة المعارف کتاب مقدس ، نقشه ها). از منابع پیش برمی آید که این مناطق علی رغم استقلال و برخورداری از رؤسای مستقل ، همگی تحت حکومت واحد همچون حکومت داود (علیه السلام و سلیمان (علیه السلام می زیسته اند ، ولی پس از وفات حضرت سلیمان (علیه السلام) دچار اختلاف هایی شده و به دو کشور یهودا و اسرائیل تقسیم گشته اند.

آنچه مورد اختلاف مفسران و دانشمندان اسلامی است واژه اسباط در آیاتی است که با ال تعریف آمده است (بقره: 136 و 140 ؛ آل عمران: 84 ؛ نساء: 163). محور اختلاف این است که آیا مراد از اسباط در این آیات افرادی مشخص از انبیای الهی بوده اند یا فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام) و یا قبایل منتسب به فرزندان یعقوب (علیه السلام) و یا ...؟

1. اسباط ؛ انبیای بنی اسرائیل  
علامه طباطبائی ، ذیل آیات 84 آل عمران و 163 نساء ، اسباط را انبیای مبعوث از ذریه یعقوب یا قبایل بنی اسرائیل می داند (المیزان ، ج 3 ، ص 370 و ج 5 ، ص 147). از دقت در مثال های ایشان همچون داود و یونس و ایوب (علیهم السلام) (همان ، ج 3 ، ص 370) استفاده می شود که آنها را محدود به انبیای پیش از موسی (علیه السلام) یا از نسل یعقوب (علیه السلام) نکرده است ، چرا که ایوب از نسل یعقوب (علیه السلام) نبوده (التحقیق ، ج 1 ، ص 216) و داود نیز پس از موسی (علیه السلام) مبعوث گشته است. اما در تفسیر آیه 136 بقره ، علی رغم پذیرش وحدت سیاق آن با دو آیه پیش (آل عمران: 84 ؛ نساء: 163) ، پیامبری اسباط را فقط در حدّ يك احتمال یاد آور شده است (المیزان ، ج 1 ، ص 315).

نزدیک به این قول ، دیدگاهی است که اسباط را انبیاء و اوصیای برگزیده از میان اولاد و احفاد یعقوب در بنی اسرائیل و تا زمان حضرت موسی (علیه السلام) دانسته است (اطیب البیان ، ج 2 ، ص 214).

این قول با برخی از روایات پیش گفته که اسباط را از نسل و تبار حضرت یعقوب (علیه السلام) ، و در فاصله زمانی بعد از یوسف (علیه السلام) و قبل از موسی (علیه السلام) و محدود در عدد مشخص (دوازده نفر) می دانست سازگاری کامل ندارد. کسانی نیز اسباط را انبیای صغار یهود می دانند (واژه های دخیل ، ص 115).

بنابر این که اسباط را از انبیای الهی بدانیم درباره آنچه بر آنها نازل شده برخی گفته اند کتاب هایی بوده که اکنون محو و یا تحریف گشته و مشتمل بر دعوت به خدا ، موعظه ، اخلاقیات و معارف بوده است (التحقیق ، ج 5 ، ص 39). طبق قولی که اسباط را انبیای صغار یهود می دانست این کتاب ها همان دوازده کتاب موجود در عهد عتیق (کتاب هوشع نبی تا کتاب ملاکی نبی) است. علامه طباطبائی نزول کتاب آسمانی را جز در مورد پیامبرانی چون موسی و داود (علیهم السلام) انکار می کند (المیزان ، ج 1 ، ص 315). به عقیده ایشان وحی منحصر در نزول کتاب نیست بلکه وحی رسالی را نیز دربرمی گیرد (همان ، ص 147).

برخی نیز مقصود از آن را صحفی دانسته اند که بر ابراهیم (علیه السلام) نازل شده است ، و در توجیه نسبت انزال به اسباط در قرآن ، آن را همانند نسبت انزال قرآن به مسلمانان در آیه 136 سوره بقره می دانند (روض الجنان ، ج 2 ، ص 185 ؛ منهج الصادقین ، ج 1 ، ص 327 ؛ تسنیم ، ج 7 ، ص 225) ظاهر منبع اخیر ، انتفاک نزول وحی در فاصله زمانی ابراهیم تا موسی (علیهم السلام) است. به هر حال نزول کتاب بر پیامبران در این دوره ، معهود نیست (تسنیم ، همان ؛ آلاء الرحمن ، ج 1 ، ص 252).

2. اسباط ؛ دوازده پسر یعقوب (علیه السلام)  
مفسرانی که مراد قرآن از اسباط را فرزندان حضرت یعقوب دانسته اند بر دو دسته اند: دسته اول پیامبری آنها را نپذیرفته اند (منهج الصادقین ، ج 1 ، ص 327 ؛ التبیان ، ج 1 ، ص 481 ؛ مجمع البیان ، ج 1 ، ص 217 ؛ تفسیر عیاشی ، ج 1 ، ص 62 ؛ کشف الحقایق ، ج 1 ، ص 92) و گفته اند آیات اسباط هیچ ظهوری در نبوت آنها ندارد ، چرا که انزال می تواند بر بعضی از آنها که پیامبر بوده اند یا بر کسی که آنها مأمور به تبعیت از او بوده اند ، صورت گرفته باشد (همان ، سه منبع اول).

این قول با ظاهر قرآن و روایاتی که اسباط را از زمره پیامبران می دانست ناسازگار است. دسته دوم ، فرزندان یعقوب را همگی پیامبر دانسته اند (التبیان ، ج 1 ، ص 282 ؛ مجمع البیان ، ج 1 ، ص 217) و این در حالی است که رفتار آنان با یوسف نشانه عدم عصمت و عدم استحقاق نبوت است (همان ، و عیاشی ، ج 1 ، ص 62 ؛ منهج الصادقین ، ج 1 ، ص 327 ؛ روض الجنان و روح الجنان ، ج 1 ، ص 344). در مورد بنیامین هم که مرتکب خطا نشد ، دلیلی بر نبوتش نداریم (اطیب البیان ، ج 2 ، ص 214) بلکه ادعا شده از بین فرزندان یعقوب (علیه السلام) فقط یوسف به پیامبری رسیده است (تسنیم ، ج 7 ، ص 225).

3. اسباط ؛ نسل و ذریه بعضی از انبیاء ، یا قبایل بنی اسرائیل  
تعدادی از مفسران ، مراد از اسباط را نسل های خاصی دانسته اند: برخی مطلق نسل و ذریه ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و به خصوص یعقوب (علیهم السلام) را مصداق اسباط دانسته اند که طبعاً پیامبران این ذریه را که کتاب و صحیفه هایی بر آنها نازل شده نیز شامل می شود. (التحقیق ، ج 5 ، ص 39).

برخی نیز نسل یعقوب (الصافی ، ج 1 ، ص 175) یا ذریه دوازده پسر وی (کنزالدقائق ، ج 2 ، ص 166) را به عنوان اسباط تعیین کرده اند. تعدادی دیگر از مفسران ، اسباط را قبایل بنی اسرائیل دانسته اند (المیزان در یکی از دو قولش ، ج 1 ، ص 344 ؛ تسنیم ، ج 7 ، ص 215 ؛ الکاشف ، ج 1 ، ص 210 و مفردات ، ص 394). این مفسران ، انبیای مبعوث شده از میان این اسباط را که به اعتبار آنها ، نسبت وحی و انزال به اسباط داده شده مختلف گفته اند ؛ همچون یوسف ، داود ، سلیمان ، موسی و عیسی (علیهم السلام) (التبیان ، ج 3 ، ص 392 و مجمع البحرین ، ج 2 ، ص 326) یا داود ، سلیمان ، یحیی و زکریّا (الکاشف ، ج 1 ، ص 212) و یا وجود پیامبری برای هر يك از قبایل دوازده گانه (تسنیم ، ج 7 ، ص 225). این قول نیز با ظواهر آیات قرآن و مفاد برخی از روایات پیش گفته همخوانی ندارد.

منابع

- (1) آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن ، بلاغی نجفی ، محمدجواد ، ناشر: مکتبه الوجدانی ، قم ؛
- (2) اطیب البیان فی تفسیر القرآن ، طبیب ، سید عبدالحسین ، انتشارات اسلام ، تهران 1366 ش ؛
- (3) اقبال الاعمال ، سیّد ابن طاووس ، احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس ، دارالکتب الاسلامیه ، تهران ، 1367 ش ؛
- (4) الاحتجاج ، الطبرسی ، ابومنصور احمد بن علی ، نشر مرتضی ، مشهد ، 1403 ق ؛
- (5) بحارالانوار ، مجلسی ، مولی محمد باقر ، مؤسسه الوفاء ، بیروت ، 1404 ق ؛
- (6) بشارة المصطفی ، طبری ، ابوجعفر عماد الدین محمد بن ابوالقاسم ، المطبعة الحیدریة ، نجف اشرف ، 1383 ق ؛
- (7) البلد الامین ، الکفعمی ، ابراهیم بن علی ملی ، بی تا ، بی جا ، بی تا ؛
- (8) التبیان فی تفسیر القرآن ، الطوسی ، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی ، تحقیق: احمد حبیب قصیر العاملی ، مکتب الاعلام الاسلامی ، قم ، 1409 ق ؛
- (9) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، المصطفوی ، حسن ، مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی ، تهران ، 1385 ش ؛
- (10) التفسیر الکاشف ، مغنیه ، محمد جواد ، مؤسسه دارالکتب الاسلامی ، بیروت ، 1428 ق ؛
- (11) تفسیر تسنیم ، جوادی آملی ، عبدالله ، مرکز نشر اسراء ، قم ، 1380 ش ؛
- (12) تفسیر کشف الحقائق عن نکات الآیات والدقائق ، العلوی الحسینی الموسوی ، محمد کریم ، حاج عبد الحمید صادق نوبری ، تهران ، 1396 ق ؛
- (13) تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب ، القمی المشهدی ، الشیخ محمد بن محمد رضا ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ،

- (14) الخرائج والجرائح ، قطب الدين راوندى ، ابوالحسين سعيد بن عبدالله ، مؤسسه امام مهدي (عج) ، قم ، 1409ق ؛
- (15) دائرة المعارف كتاب مقدس ، جمعى از مؤلفين ، انتشارات سرخدار ، تهران ، 1318ش ؛
- (16) دلائل الإمامه ، طبرى ، محمد بن جرير ، دارالذخائر للمطبوعات ، قم ؛
- (17) روض الجنان وروح الجنان فى تفسير القرآن ، رازى ، ابوالفتوح ، حسين بن على بن محمد بن احمد ، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى ، مشهد ، 1366-1374ش ؛
- (18) رجال الكنى ، طوسى ، ابوجعفر محمد بن حسن (م/460) ، طبع دانشگاه مشهد ؛
- (19) روضة الواعظين ، فتال نيشابورى ، محمد بن حسن ، انتشارات رضى ، قم ؛
- (20) المصافى فى تفسير كلام الله ، فيض كاشانى ، المولى محسن ، دارالمرضى للنشر ، مشهد ، بى تا ؛
- (21) قاموس الكتاب المقدس ، جمعى از مؤلفين ، دارالثقافة ، بيروت ؛
- (22) كتاب التفسير ، عياشى ، ابوالنصر محمد بن مسعود ، مكتبة العلمية الاسلامية ، تهران ؛
- (23) كفاية الأثر فى النصّ على الأئمّة الإثنى عشر (عليهم السلام) ، خزّاز قمى ، ابوالقاسم على بن محمد بن على ، انتشارات بيدار ، قم ، 1401ق ؛
- (24) كمال الدين وتمام النعمة ، شيخ صدوق ، محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى ، دارالكتب الاسلاميه ، قم ، 1395ق ؛
- (25) لسان العرب ، ابن منظور ، جمال الدين محمد بن مكرم ، دارصادر ، بيروت ، 2000م ؛
- (26) المتوكلي ، سيوطى ، جلال الدين ، عبدالكريم زبيدى ، بيروت ، 1408ق ؛
- (27) مجمع البحرين ، طريحي ، فخرالدين محمود ، محمود عادل ، دفتر نشر فرهنگ اسلامى ، قم ، 1408ق ؛
- (28) مجمع البيان فى تفسير القرآن ، طبرسى ، امين الدين ابوعلى ، فضل بن حسن ، داراحياء التراث العربى ، بيروت ، 1379ق ؛
- (29) المصباح المنير ، الفيومى ، احمد بن محمد بن على المقرئ ، مصر ، 1373ق ؛
- (30) المصباح (جنت الأمان الواقية وجنت الايمان الباقية) ، كفعمى ، ابراهيم بن على عاملى ، انتشارات رضى ، قم ، 1405ق ؛
- (31) معجم الفروق اللغوية ، العسكري ، ابوهلال ، حسن بن عبد الله ، الشيخ بيت الله بيات ، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة ، قم ، 1426ق ؛
- (32) المعجم المفهرس لألفاظ أحاديث بحارالانوار ، خانه كتاب ايران به اشراف عليرضا برازش ، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامى ، تهران ، 1372ش ؛
- (33) المعجم الوسيط ، جمعى از مؤلفين ، مؤسسة الصادق للطباعة والنشر ، تهران ، 1426ق ؛
- (34) معجم مقاييس اللغة ، ابن فارس ، ابوالحسين احمد بن فارس بن زكريا ، مصر ، 1390ق ؛
- (35) مفردات الفاظ القرآن الكريم ، راجب اصفهانى ، ... صفوان عدنان داوودى ، اميران ، قم ، 1424ق ؛
- (36) منهج الصادقين ، كاشانى ، ملافتح الله ، چاپخانه اعلمى ، 1337ش ؛
- (37) الميزان فى تفسير القرآن ، طباطبايى ، محمدحسين ، دارالكتب الاسلامية ، تهران ، 1397. ؛
- داود فتح الله زاده و عبدالرحيم سليمانى بهبهانى